



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

نقش روشهای تدریس معلمان در پرورش خلاقیت دانش آموزان

زلیخا هوت^۱، مریم جهانتیغ^۲، طاهره جدگال^۳، یاسمین بلوچ^۴، سهیلا بلوچ^۵

۱- کارشناسی، آموزش ابتدایی، آموزش و پرورش، بخش پلان

Zolykha.hoot123@jmail.com

۲- کاردانی، آموزش زبان انگلیسی، آموزش و پرورش، شهرستان نیمروز

mrymjahantigh@gmail.com

۳- کارشناسی، ادبیات فارسی، آموزش و پرورش، بخش پلان

Tahere.jadgal123@yahoo.com

۴- کارشناسی، آموزش ابتدایی، آموزش و پرورش، بخش پلان

Yasamin.baloch122@gmail.com

۵- کارشناسی، علوم تربیتی، آموزش و پرورش، بخش پلان

Soeylabaloch450@gmail.com

چکیده

عصر کنونی را عصری می دانند که هدف از آموزش و پرورش تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید نیست. بلکه رسالت آموزش و پرورش را ایجاد تغییرات مطلوب در نگرش ها شناخت ها و در نهایت رفتار انسان ها می باشد. در این راستا معلم نقش بسیار مهم و اساسی را بر عهده دارد زیرا علاوه بر نقش هدایتی حمایتی تقویتی سازمان دادن به فعالیت های یادگیری دانش آموزان و رشد هماهنگ ابهام وجودی آنان نیز به عهده اوست. معلم برای رسیدن به اهداف تعیین شده در فرایند آموزش دو مسیر اصلی را در پیش رو دارد استفاده از روش های تدریس سنتی و غیر فعال و یا استفاده از روش های تدریس فعال و کاربردی. لذا هدف از این پژوهش بررسی نقش روش های تدریس معلمان در پرورش خلاقیت دانش آموزان در سال ۱۴۰۰ می باشد. در این تحقیق از روش کتابخانه ای و منابع چاپی و دیجیتالی شامل کتاب، مقاله، پایان نامه، و تحقیقات دیگر که انجام شده، استفاده شده است. در این پژوهش سعی شد تا به بررسی روشهای تدریس، خلاقیت دانش آموزان، ویژگی افراد خلاق، موانع خلاقیت، راههای تقویت خلاقیت در دانش آموزان و بررسی پژوهشهای مرتبط در حوزه تاثیر الگوهای تدریس بر خلاقیت پرداخته شد، در نهایت اینکه معلم نقش حیاتی و مهمی ایفا می کند که با تکنیک های خاصی به تقویت قوه خلاقیت می پردازد. و معلمان با قاطعیت ویژه ای که دارند می دانند که دانش آموزان در دوره ابتدایی به یادگیری چه مطالبی نیاز دارند تا آنها را به روش های فعال و کودک محور آموزش دهند

کلمات کلیدی: روش تدریس، خلاقیت، معلم، دانش آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

از عناصر اصلی در هر برنامه آموزشی روش تدریس است که نقش بارزی در فرایند آموزش و یادگیری ایفا می کند. تدریس فعالیتی آگاهانه است که بر اساس هدف خاصی و بر پایه ویژگیهای شناختی شاگردان انجام می پذیرد و موجب تغییر آنها میشود (شعبانی، ۱۳۸۲) از اهداف تعلیم و تربیت در جوامع پیشرفته تکوین شخصیت افراد برای کسب مهارتهای اساسی زندگی است و می توان خلاقیت را یکی از نیازهای مهم و اساسی در رشد و پیشرفت در زندگی امروزی دانست که برای نیل به این اهداف، روشهای تدریس زمینه های مناسب را برای دانش آموزان به این هدف فراهم خواهد کرد. برای رویا رویی با انبوه چالشهایی که آینده در دل خود پنهان داشته است، جامعه بشری در تلاش برای رسیدن به آرمانهایی چون صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، آموزش و پرورش را سرمایه ای اجتناب ناپذیر میدانند. با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تغییرات مداومی که به وجود می آید باید شرایط تغییر در هر جامعه ای ایجاد شود. شرط اولیه هر تغییری شناخت و آگاهی است، که به دنبال آن باید کار با برنامه ریزی برای دستیابی به اهداف مطلوب صورت بگیرد. اهمیت و ثمر بخشی روشهای تدریس و یادگیری بهتر همواره مورد نظر دانشمندان و محققین علوم تربیتی بوده است از آغاز قرن بیستم توسط مومان و لای و سپس کلاپارد، ماریا منتسوری، جان دیویی، هربارت، ثورندایک و همکارانش و در بسیاری از کشورها مطالعات زیادی به مدت چهل سال در مورد ثمر بخشی میزان روشهای آموزش در کلیه دروس انجام گرفت (افشار، ۱۳۶۸).

امروزه رویکردهای آموزش معطوف به نوآوری، خلاقیت، و تولید دانش است و این مهم باید یکی از ویژگی های روش تدریس باشد تا جریان تدریس بر اصل تعامل یادگیرندگان با محیط و کشف حقایق بنا شود (فضلی خانی، ۱۳۸۲). یکی از اهداف اساسی در هر جامعه ای رشد تفکر منطقی و خلاق در دانش آموزان می باشد که از دیرباز مورد توجه اساتید و صاحب نظران نظام آموزش و پرورش بوده است، برآورد آن عمدتاً به کیفیت و شیوه های تدریس بستگی دارد خلاقیت اوج توانایی تفکر بشری است که توانسته است انسان را به مرحله پیشرفت و ترقی برساند و او را در حل تمام مسائل و مشکلات زندگی یاری دهد. نمونه های خلاقیت را می توان در نقاشی روی دیوار در زمان غارنشینان، خلق یک اثر هنری، ماشینآلات صنعتی و آشپزی و خیاطی و ... دید. در حقیقت خلاقیت یک مفهوم انتزاعی و پیچیده است. اما ابهام در معنی و مفهوم کلمه به معنی پیچیدگی خود جریان خلاقیت نیست، زیرا خلاقیت را می توان به راحتی در زندگی روزانه حس کرد و آن را لمس کرد. اخیراً محققان و روان شناسان به بعد اجتماعی و محیطی آن توجه کرده اند و معتقدند که خلاقیت را نمیتوان بدون توجه به ابعاد اجتماعی و محیطی آن بررسی کرد. به نظر استرانبرگ (۱۹۸۹) فرایند خلاقیت در ذهن شخص با متغیرهای اجتماعی رابطه دارد. واقعیت این است که به خلاقیت نمی توان با تمرکز بر یک بعد نگریست. ابعاد فردی یا محیطی نمی تواند بیانگر ماهیت خلاقیت باشند. بلکه خلاقیت از سویی نیز تابع نظام اجتماعی خلاق است. به همین دلیل خلاقیت هرگز نتیجه عمل فرد به تنهایی نیست. یکی از ابعاد محیطی اجتماعی خلاقیت، مدرسه میباشد. تورنس بیان می کند مسئله توسعه خلاقیت در نظام آموزشی رسمی بیشتر از این جهت حائز توجه است که بر اساس پژوهش ها دریافته ایم که در ابتدا ابتکار و خلاقیت در اغلب کودکان مشاهده میشود ولی منحنی تحول آن در حدود ۱۰ سالگی افت می کند و سیر نزولی می یابد و نتیجه آن فقدان علاقه به یادگیری و افزایش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

I ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مشکلات رفتاری و انگیزشی است. به قول تورنس عدم بروز این توانایی عموماً به نامناسب بودن روشهای تدریس مربوط میشود

در این میان معلمان نقش کلیدی را بر عهده دارند معلمان می توانند با استفاده از انواع روش های خلاق امکان ظهور خلاقیت در کودکان و نوجوانان را فراهم سازند. امروزه تمام کودکان دبستانی باید با واقعیت ها و مفاهیم علمی آشنا شوند زیرا زندگی در عصر صنعتی بدون استفاده از یافتههای علمی تقریباً غیرممکن است. چرا که هر جا صحبت از تعلیم و تربیت می شود خواسته یا ناخواسته مقوله تدریس و شیوه های آن خود را نمایان می سازد. تحقیقات انجام شده در زمینه شیوه های تدریس نشان می دهد که هنوز بسیاری از معلمان قسمت قابل ملاحظه ای از وقت کلاس خود را به سخنرانی و یا پرسیدن سوال هایی صرف می کنند که چیزی غیر از جمع آوری حقایق ساده علمی را نمی طلبد و تنها یک درصد زمان صرف شده در کلاس را برای سوال هایی اختصاص می دهند که پاسخ متفکرانه را می طلبد (نجفی هزار جریبی، ۱۳۸۷). مدرسه به عنوان یکی از اجزای مهم نظام آموزشی می تواند بر فرایند تفکر و مهارتهای ذهنی و شیوههای یادگیری دانش آموزان تأثیر شگرف بگذارد تا به راحتی بتواند در جهت تفکر نو و انتقادی و کشف مجهولات پیش برود و راه حل مناسبی برای مشکلات ارائه دهد. بدین ترتیب مدرسه می تواند کانونی جهت یادگیری و پرورش افکار خلاق باشد. محیط مدرسه از جنبه های مختلفی مانند شرایط فیزیکی (دیوارها، کلاس، ابزار و اشیاء موجود در مدرسه)، و روابط عاطفی میان افراد، نقش مدیر و ناظم بویژه معلم، روابط دانش آموزان با معلم، روابط دانش آموزان با یکدیگر، بر انگیزه یادگیری و خلاقیت تأثیر مستقیم دارد. معلم در مدرسه بعنوان یک الگو نقش کلیدی ایفاء میکنند. در واقع اهمیت او در زندگی کودکان و نوجوانان مستعد و خلاق بیشتر روشن می گردد. شایان ذکر است معلم شکل دهنده جو کلاس است و مهمترین نقش را در پرورش خلاقیت دانش آموزان برعهده دارد و میتواند این نقش را از طریق روشهای تدریس در کلاس به انجام رساند.

۲- روشهای تدریس

تدریس، تنها فعالیت معلم در کلاس درس نیست بلکه فعالیتی دو جانبه از طرف معلم و دانش آموزان می باشد که در جریان آن، بین دانش آموزان با یکدیگر و معلم تعامل وجود دارد.

روش تدریس را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: روشهای تدریس فعال و روشهای تدریس غیر فعال (سنتی). در روش تدریس غیر فعال، فقط معلم نقش فعالی را در جریان تدریس برعهده دارد و مطالبی را که از قبل تعیین شده است بطور شفاهی در کلاس بیان می کند و دانش آموزان در این میان واکنش چندانی از خود نشان نمی دهند. به عبارت دیگر کودک برای مدرسه است، نه مدرسه برای کودک. تدریس سنتی تنها وظیفه خود را این میداند که حافظه کودک را از معلومات انباشته سازد، آنرا به زیور علم بیاراید و با افکار بزرگ زینت بخشد. بنابراین خلاقیت فقط جای اندکی در آموزش سنتی دارد، زیرا در آموزش سنتی کسب مهارت خواندن و نوشتن مهم است و ارائه مفاهیم به صورت شفاهی از طرف معلم و تکرار و حفظ کردن و پس دادن مطالب توسط شاگردان انجام می شود. بدین ترتیب ذهن شاگردان با جزئیات شتاب زده و نامربوط انباشته می شود و آنها از یادگیری مطالب مهم درسی و قابل فهم محروم می گردند، و تلاشی برای پاسخ های چالش انگیز وجود ندارد. شیوه های



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

I ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آموزش سنتی دانش آموزان ربا روش های شناختی که مرتبط با دنیای فردا است همراه نمی کند و چنین تدریس نامناسبی همراه با عدم طرح موضوعات بحث برانگیز، محیط آموزشی ملالتآوری را ایجاد میکند. در نتیجه باعث عدم کنجکاوی وسئوال و مشارکت از جانب کودک می شود. برای پر کردن این شکاف و فقدان می توان با روشهای فعال و پویا مانع از کسب این دیدگاه سطحی نگر شد. در مقابل روش تدریس سنتی، روش های دیگری وجود دارد که در آنها بر خلاف روش تدریس غیر فعال، دانش آموزان بیشتر فعالیت دارند و قسمت اعظم کار آموزش و تدریس بعهده دانش آموزان می باشد. در واقع یک تعامل دو طرفه بین دانش آموزان و معلم و دانش آموزان با یکدیگر وجود دارد. در این روش پیشنهاد می کنند که از وسعت برنامه کاسته شود و کیفیت برنامه مورد اهمیت باشد زیرا ثابت شده است معارفی که طی تفحصات و پژوهشهای آزادانه مشخص بدست می آید بهتر در ذهن باقی می ماند و به شاگرد فرصت میدهد کسب روشهایی نائل آید که در تمام دوره زندگی مورد استفاده قرار گیرد و بطور مداوم دامنه کنجکاوی او را توسعه میدهد و دانش آموز یاد میگیرد چگونه عقل خود را شخصاً بکار اندازد و بدینترتیب آزادانه مفاهیم و تصورات خود را بنا میکند. بنابراین استفاده از روش فعال در ارائه درس نه تنها دانش آموزان را برسر شوق و ذوق آورده وانگیزه یادگیری را در آنان تقویت می کند، بلکه معلم را در تبدیل محیط کلاس به جامعه ای کوچک و دلپذیر قادر میسازد. در نتیجه ایجاد و پیشرفت چنین محیط هایی است که حس کنجکاوی دانش آموزان برانگیخته میشود.

یکی از راهبردهایی که معلم با روش فعال در هنگام تدریس انجام می دهد، استفاده از تمایلات و کنجکاوی طبیعی کودک در حل مساله و بیان مسائل بصورت حیرتآمیز است. این روش یادگیری و روش های علمی دیگر که بر اساس ساختار طبیعی کودک بنا گردیده مهارتهای روش تحقیق را به وی می آموزد تا در کودک فهم عمیقی از مهارتها و راهبردهای علمی رشد پیدا کند.

ادبیات و پیشینه تحقیق

تحقیقی توسط رمی و پیپر (۱۹۷۴) سولیوان (۱۹۷۴) انجام شد، محور آنها مقایسه کلاسهای پویا یا باز با کلاسهای سنتی بوده است.

فضای کلاسهای باز یا پویا برای رشد شرایط پژوهش، کنجکاوی، دستکاری، خودفرمانی و یادگیری مناسب بود. اما کلاسهای سنتی در امتحان گرفتن، درجه بندی، تدریس مقتدارانه با سختگیری دنبال می شد و تغییر کمی در برنامه آموزشی خود ایجاد می کردند. همچنین سولیوان (۱۹۷۴) دریافت، بچه هادر کلاس باز در مقایسه با بچه های کلاسهای سنتی نمره معنادار و بهتری در ۲ از ۴ تست گلیفورد بدست می آورند. فراهم آوردن زمینه ها و شرایطی که به تقویت تفکر خلاق در مدارس منجر شود دامنه وسیعی دارد که از تغییر در نگرش ها تا روشهای تدریس امتداد می یابد.

در تحقیقی که ارتباط متقابل بین معلم و خود کارآمدی معلم ها مورد ارزیابی قرار گرفته است، نشان داده شد نوع نگرش معلم به درس تعیین کننده سطح موفقیت آنان در تدریس آن درس می باشد. علاقه مندی و عدم علاقه مندی آنان به درس تأثیر مستقیم در نحوه آموزش آنان دارد و باعث ایجاد رفتارهای خود مدارانه یا شرکت دادن دانش آموزان در امر تدریس، تحقیق و آزمایش است و نتیجه آن رشد یا کاهش خلاقیت در کودکان میباشد. چامبرز (۱۹۷۳) در مطالعه ای از ۶۷۱ معلم، تأثیرات منفی و مثبت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آنها را بر روی خلاقیت دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داد. بررسی پاسخ‌ها نشان می‌داد: معلم‌هایی که موجب رشد خلاقیت در دانش‌آموزان هستند در مدیریت و هدایت کلاس به روش‌های غیر رسمی گرایش دارند. آنها به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند موضوعاتی را که می‌خواهند، انتخاب کنند. پذیرای دیدگاه‌های غیر معمول آنها هستند، به خلاقیت پاداش داده، در بیرون از کلاس با دانش‌آموزان در تعامل هستند و تشویق استقلال دانش‌آموزان و عملکرد مثبت آنها را بعنوان نقش موثر الگوی خلاقیت می‌دانند. در مقابل رفتارهای متضاد که باعث کاهش خلاقیت می‌شود، عبارتند از: دلسرد کردن عقاید دانش‌آموزان، تأکید بر تکرار یادگیری، ناامنی، سختگیری و اعمال روش‌های سنتی که موجب تقلیل خلاقیت میشوند. به طور کلی در مطالعات متعددی که در زمینه کارایی روش‌های تدریس فعال صورت گرفته است، مطلوب بودن این روشها را نسبت به روش‌های تدریس غیرفعال نشان می‌دهد. در مطالعه‌ای، کیفیت یادگیری به روش‌های سخنرانی، تمرین و تکرار، پرسش و پاسخ، نمایش... بررسی شده است. نتیجه نشان داده است که کیفیت یادگیری در روش‌هایی که همراه با فعالیت بیشتر دانش‌آموزان باشد، به رشد خلاقیت بیشتری می‌انجامد. شایان ذکر است یادگیری فعال در مقایسه با یادگیری ناپا فعال موجب می‌شود ارتباط‌های بیشتری برای یادگیرنده ایجاد شود. به طور کلی کلاس‌های غیر رسمی یا فعال تأثیر بیشتری در رشد خلاقیت می‌گذارند. اینگونه کلاس‌ها در مقایسه با محیط‌های محدود کننده سنتی تسهیل کننده خلاقیت هستند. رضائیان (۱۳۷۴): خلاقیت به کارگیری تواناییهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است. نوآوری به کارگیری اندیشه‌های جدید ناشی از خلاقیت است که می‌تواند یک محصول جدید یا راه حل جدید انجام کارها باشد.

تومانز (۱۹۹۲): خلاقیت را به وجود آوردن تلفیقی از اندیشه‌ها و رهیافت‌های افراد و یا گروهها در یک روش جدید، تعریف کرده است. البرشت (۱۹۸۷): خلاقیت و نوآوری و وجه تمایز آنان را به این صورت مطرح کرده که خلاقیت یک فعالیت ذهنی و عقلانی برای به وجود آوردن اندیشه‌ی جدید و بدیع است. نوآوری تبدیل خلاقیت اندیشه‌ی نو به عمل و یا نتیجه است. شاید به جرأت بتوان گفت که جامع‌ترین تعریف خلاقیت توسط گیلفورد دانشمند آمریکایی، عرضه شده است. او خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت‌های جدید برای مسایل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ) مترادف دانسته است. افرادی که تفکر واگرا دارند در فکر و عمل خود با دیگران تفاوت دارند و از عرف و عادت دور می‌شوند و روش‌های خلاق و جدید را بکار می‌برند. عکس، کسانی که از این خصوصیات برخوردار نیستند، تفکر همگرا دارند و در فکر و عمل خود از عرف و عادت پیروی می‌کنند. پس، تفکر واگرا یعنی دور شدن از یک نقطه‌ای مشترک که همان رسم و سنت و عرف اجتماع است و تفکر همگرا یعنی نزدیک شدن به آن نقطه. امروزه ثابت شده است که خلاقیت در نوع بشر به اندازه حافظه عمومیت دارد و می‌توان آن را با کاربرد اصول و فنون معین و ایجاد طراز تفکرهای جدید و ایجاد محیطی مناسب پرورش داد. رابرت اپستین می‌گوید: "من پس از بیست سال تحقیق، بررسی و مطالعه روی این مسئله به این نتیجه رسیده‌ام که همه انسانها از قوه خلاقیت برخوردار هستند و استثنایی وجود ندارد." پس می‌توان موهبت خلاقیت را به کار نگرفتن، پژمرده نمود و یا با مبادرت به فعالیت‌هایی که بیشترین امکان را برای پرورش خلاقیت به وجود می‌آورد، آنرا را توسعه داد. بعضی از دانشمندان خلاقیت را مستقل از ضریب هوشی و بعضی دیگر آن را در طول ضریب هوش می‌دانند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گاردنر خلاقیت را بالاترین شکل کاربرد تیزهوش تعریف کرده است اما تورنس آن را مستقل از ضریب هوش بیشتر از ۱۲۰ می داند. و معتقدند که خلاقیت با ضریب هوش کمتر از ۱۲۰ همبستگی دارد. این خلاقیت آراء و نیز نتیجه تحقیقات نشان می دهد که گرچه خلاقیت بسیار پیچیده است، ولی انجام یک عمل خلاق صرفاً نتیجه ضریب هوشی بیشتر و بالاتر نیست.

مطالعه ی خلاقیت دانش آموزان، وجود خصوصیات معینی را در کودکان خلاق تأیید می کند این

خصوصیات عبارتند از :

- ۱- قابلیت انعطاف ۲- حساسیت ۳- احساس مسئولیت ۴- احساس همدردی ۵- استقلال
 - ۶- خودپنداری مثبت ۸- نیار به تماس های اجتماعی ۹- علاقه به پیشرفت
- بر اساس مطالعات و تحقیقات انجام شده درباره خلاقیت می توان گفت، نکات زیر در درک مفهوم خلاقیت و توسعه آن اهمیت ویژه ای دارد :
- ۱- خلاقیت امری است فردی و ارزیابی خلاقیت با ارزیابی توانایی های فردی توأم است.
 - ۲- خلاقیت امری است توسعه پذیر و همه دانش آموزان از توانایی بالقوه خلاقیت برخوردارند.
 - ۳- خلاقیت از طریق ایجاد حساسیت در درک مسایل قابل توسعه است.
 - ۴- خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کنکاش رشد می کند.
 - ۵- اندیشه تخیلی و تفکر ابتکاری موجب برانگیختن قدرت خلاقیت می شود.
 - ۶- خلاقیت با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است و برای رشد خلاقیت برخوردار از اعتماد به نفس قوی کاملاً ضروری است.
 - ۷- خلاقیت از طریق بیان احساسات و برداشتهای شخصی، غنی تر می شود و صحبت درباره تجربه ی خلاق ارزش آن را بیشتر می کند.
 - ۸- خلاقیت مبتنی بر کنجکاوی و تمایل برای تجربه در امور گوناگون است، لذا به کنجکاوی دانش آموزان می باید بها داد.
 - ۹- خلاقیت، توسعه آگاهی، توانائی جذب و بهره مندی از همه ی نعمت های زندگی است.
 - ۱۰- اندیشه ها و اظهارات خلاق کودکان و دانش آموزان باید تشویق شود تا زمینه خلاقیت فراهم آید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خلاقیت در آموزشگاه سنتی آموزش و پرورش سنتی روی تعلیم مستقیم و بنابراین تقلید و انتقال، متمرکز است. معلم دانش را منتقل می کند و دانش آموز با حفظ کردن آن مبحث مورد ارزشیابی قرار می گیرد. خلاقیت در آموزش سنتی جای بسیار اندکی دارد به طوری که شاید بتوان گفت خلاقیت نه تنها فراموش شده، بلکه خفه و خاموش شده است. "تاردی" در این باره می گوید: تخیل سازنده هنوز هم عملاً در معرض ظلم و تعدی است، زیرا مدرسه سنتی نه تنها درها را به روی تخیل سازنده نگشوده، بلکه می توان گفت در بعضی موارد نیز درها به روی آن بسته است. در واقع باز گذاشتن درها به روی تخیل به منزله ی واگذاری آزادی به شاگرد برای اظهار وجود است و برای آزادی اظهار وجود، گفت و گو وسیله ی مؤثری محسوب می شود. آموزشگاه سنتی، آموزشگاه سکوت است و در آن کم تر به شاگردان اجازه ی صحبت کردن و فکر کردن داده می شود. این گونه برخوردها قطعاً عمل متعددی دارد، اما علت عمده، نگرش معلم نسبت به شاگردان خلاق است (بودو، ۱۳۵۸). کنترل و جکسون این مسئله را به طور تجربی مورد تحقیق و مطالعه قرار دادند. آنان از معلمان شاگردان عضو یک گروه نمونه خواستند که هر یک از آنها را در پنج طبقه که بر حسب ملاک تعیین شده بود، جای دهند. نتایج بدست آمده بسیار چشمگیر بود. به این ترتیب که معلمان، شاگردان دارای هوش بحر زیاد را نسبت به شاگردان برخوردار از بهره ی هوشی متوسط بیش تر دوست داشتند و برعکس خلاق ترین شاگردان فقط به اندازه ی افراد متوسط گروه مورد علاقه ی معلمان بودند. معلمان چندان حمایتی از شاگردان خلاق نمی کنند، زیرا این شاگردان را تهدیدی برای درس خود می دانند. سئوالات شاگردان خلاق می تواند درسی که جسورانه از طرف معلم تشریح و به تدریج ساخته و پرداخته می شود مورد شک قرار دهد و در بسیاری موارد سؤال آنها غیر منتظره است و شاید معلم نتواند به آن جواب دهد یا لاقلاً جواب آن را پیش بینی نکرده است (آلن بودو، ۱۳۵۸) بنابراین (از سر رسیدن به آموزش و پرورش خلاق، دور شدن از روشهای سنتی آموزشی و به کارگیری شیوه های باز مردم سالارانه در امر یاردهی و یادگیری است. به این جهت امروزه باید به جای انباشتن ذهن شاگردان از محفوظات، فکر آنان را به فعالیت و روش اندیشیدن را به آنان آموخت، زیرا استعداد خلاقیت امری است کاملاً فطری و بروز آن در مورد عامه شاگردان امکان پذیر است. ولی آنچه اهمیت دارد چگونگی شکوفا شدن این استعداد در افراد باقوه خلاق است.

چگونه خلاقیت به وقوع می پیوندد؟

- ۱- خلاقیت امری است توسعه پذیر، به عبارت دیگر همه دانش آموزان از توانایی بالقوه خلاقیت برخوردارند. ۲- خلاقیت امری است فردی و ارزیابی خلاقیت توأم با ارزیابی توانایی های فردی است.
- ۳- خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کند و کاو رشد می کند. ۴- اندیشه ی تخیلی و تفکر مبتکرانه موجب برانگیختگی قدرت خلاقیت می شود. ۵- خلاقیت با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است با اعتماد به نفس قوی برای رشد خلاقیت امری ضرور یاست. ۶- خلاقیت از طریق بیان احساسات و برداشتهای شخصی غنی تر می گردد. صحبت درباره ی تجربه خلاق ارزش آن را بیشتر می کند. ۷- خلاقیت، توسعه ی آگاهی و توانایی جذب و بهره مندی از همه نعمت های زندگی است. (امروزه ۱۳۶۵)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ویژگیهای افراد خلاق

۱- افراد خلاق مسائل و وضعیت هایی را می بینند که قبلاً مورد توجه قرار نگرفته است. آنها افکار، عقاید و نظریات جدیدی ارائه می دهند که دیگران از آن عاجزند. ۲- اندیشه، فکر و تجربیات حاصل از منابع گوناگون را به هم ربط داده، آنها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهند و به خلق آثار جدید می پردازند. ۳- به طور معمول از طرق گوناگون به بررسی هر موضوع می پردازند و به آن چه گذشتگان انجام داده اند اکتفا نمی کنند و نسبت به پیش فرش های قبلی گذشتگان تردید می کنند. ۴- فی البداهه از نژروی ذهنی و بینش بیشتری برخوردارند و از آنها کمک می گیرند و استفاده می کنند. ۵- در فکر و عمل از انعطاف پذیری بالایی برخوردارند (قرائنی مقدم، ۱۳۷۵).

مطالعاتی که "بارون" (۱۹۶۹) در زمینه شخصیت افراد خلاق انجام داده است نیز نشان می دهد که آنها در مقایسه با افراد عادی خوش بنیه تر است و به دنبال تنش اند یا از طریق آزاد شدن آن احساس لذت می کنند. افراد خلاق، کم تر ضعیف النفس بوده و از مسائل و امور آگاه اند. آنها تمایل زیادی به خطر کردن دارند (خطر اشتباه، تصحیح و مسخره شدن). این خصلت به آنها کمک می کند تا از شناخت منفی و بی تفاوتی بگذرند و به شناختی فعال برسند. تورنس (۱۹۹۸) در پاسخ به این پرسش که ویژگیهای شخصیتی چه نقشی در خلاقیت ایفا می کند، گفته است: شخصیت هم می تواند خلاقیت را آسان سازد و هم مانع آن شود. ویژگیهایی از قبیل آمادگی برای خطر کردن، کنجکاوی و جست و جو گری، استقلال اندیشه، پشتکار و پایداری، شهامت رأی، ابتکار پرسشگری درباره ی موقعیت های معما گونه و درگیر شدن با امور دشوار از جمله ویژگیهای آسان ساز خلاقیت شمرده شده اند. او می گوید: "هر عملی که ما برای تشویق این گونه رفتارها انجام دهیم شخص را در جهت خلاقیت بیش تر سوق می دهد". (سیف، ۱۳۷۹) در مقابل ویژگیهای شخصیتی بالا که موجب شکوفایی خلاقیت می شوند، ویژگیهای دیگری وجود دارند که از بروز خلاقیت جلوگیری می کنند. گیلفورد (۱۹۹۸) در این باره ویژگیهای زیر را نام می برد: سلطه گری، منفی بافی مقاومت، ترس، عیب جویی، انتقاد از دیگران، سازش کاری، تسلیم در برابر قدرت و کمرویی. (سیف، ۱۳۷۹)

موانع خلاقیت

۱- عدم اعتماد به نفس: که به مرور زمان با توجه به تجارب گذشته فرد و محیط اجتماعی در افراد بوجود می آید. افراد جامعه ای که به قول مزلو به علت نیارهای دیگر فرصت خودیابی پیدا نکرده اند و به آنها چنین فرصتی داده نشده است تا به رشد و بلوغ برسند، کمتر اعتماد به نفس پیدا می کنند و همیشه متکی و فرمانبردار دیگران بار می آیند. ۲- تمایل به هم رنگی و همگونی، زیرا متفاوت از دیگران رفتار کردن و راه و روش دیگران را نرفتن، به خصوص در جوامع سنتی، موجب تمسخر و سرزنش می شوند. ۳- عکس العمل منفی، از مهمترین عواملی است که اثر تخریبی شدید بر روی یک موضوع ناآشنا و یک ایده ی جدید دارد. تفکر خلاق نیاز به طرز تلقی و تفکر مثبت دارد. ۴- حذف خیال بافی ها و اجازه ی خیال بافی ندادن به دانش آموزان ۵- محدودیتهایی که بازدارنده ی قوه کنجکاوی دانش آموز است. (مثلاً وقتی که معلم از سؤال کردن خسته می شود) ۶- پیش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

داوری ها (شامل پیش داوری خود شخص یا عقیده های دیگران) ۷- ترس از انحراف و سعی در هم نوایی با اجتماع ۸- ارزش ها و هنجارهای فرهنگی ویژگی های دانش آموزان خلاق

از دیدگاه صاحب نظران خلاقیت، عبارت از قدرت استدلال، درک سریع مفاهیم و حافظه ی قوی در دانش آموزان خلاق است. شاگردان خلاق لزوماً در آزمون های هوش نمره ی چندان فوق العاده ای کسب نمی کنند اما در آزمون های مربوط به سنجش مهارت های تفکرواگر نمره بالایی بدست می آورند. بنابراین فقط اشخاصی تیزهوش نیستند که می تواند خلاق باشند، بلکه با هوش متوسط هم می توان خلاق بود و کمبود خلاقیت را فقط به افرادی که عقب ماندگی ذهنی دارند می توان نسبت داد. نتایج تحقیقات تورنس (۱۹۹۸) راجع به رابطه "هوش و خلاقیت نشان دهنده ی این است که معدل بهره ی هوشی دانش آموزان خلاق بین ۹۷ تا ۱۲۶ است و در نتیجه بین شاگردان باهوش و خلاق تفاوت معنی داری در پیش رفت تحصیلی وجود ندارد". (سیف، ۱۳۶۹) دانش آموزانی که خلاق اند راه حل های هوشمندانه برای مسائل ارائه می دهند. آنها در بازخوردها و نگرش های خود مستقل و بی تعصب اند و ترجیح می دهند که در شرایطی باز و نامحدود (از نظر یادگیری) فعالیت کنند تا دیدگاههای خود را مطرح کنند. این کودکان به فعالتهای فرهنگی بیش از ورزش و فعالیتهای اجتماعی علاقه دارند. دانش آموزان خلاق از خوانندگان کتاب و مجله به شمار می آیند و از مهمترین خصایص آنها احساس بی شباهت بودن به دیگران است. آن ها در فعالیتهای گروهی غالباً نقش رهبر را به عهده می گیرند و برای مشورت، بیش تر به دوستان مراجعه می کنند تا والدین. شاگردان خلاق، آشوبگر و بی انضباط لقب گرفته اند. سئوالات آنها عجیب و نامعقول جلوه می کند و باعث تهدید معلم می شود.

نیکسون (۱۹۶۲)، تورنس (۱۹۶۶) ولی کاک (۱۹۷۹) تحقیقاتی انجام داده اند و ویژگیهای دانش آموزان خلاق را چنین عنوان کرده اند :

۱- این دانش آموزان از نظر هوشی بالاتر از سطح متوسط هستند. ۲- از نظر هوش کلامی و فضایی بسیار برجسته اند. ۳- دارای ظرفیت های حافظه ای فوق العاده در ثبت و نگهداری وقایع مختلف هستند. ۴- آماده هستند امور و فعالیتهای مختلف را تجربه کنند. ۵- از نظر فکری مستقل هستند. ۶- از نظر اجتماعی، رفتاری مطلوب دارند. ۷- از نظر بیان صریح و راحت هستند. ۸- افرادی فعال و کنجکاوند. ۹- در حل مسائل و پاسخ به سئوالات عموماً از تفکر واگرا برخوردارند. ۱۰- به مسائل مذهبی و فلسفی علاقه نشان می دهند. ۱۱- مقام و باجرات، انتقاد پذیر و خستگی ناپذیرند. ۱۲- خودجوش، صادق و ساده اند (افروز، ۱۳۶۵)

چگونه می توان خلافت را در دانش آموزان پرورش داد؟

۱- به سئوالات دانش آموزان باید احترام گذاشت و آنها را راهنمایی کرد تا خودشان جواب سئوالات را بیابند. ۲- باید به دانش آموزان نشان داد که عقایدشان دارای ارزش است و عقایدی را که پذیرش آنها در کلاس ممکن باشد، باید پذیرفت. ۳- نظریات و اظهارات خلاق دانش آموزان می بایست توسط معلم مورد تشویق قرار گیرد و زمینه ظهور آنها فراهم شود. ۴- گاهی اوقات بدون آنکه تهدیدی از جهت نمره ارزشیابی یا انتقاد در کار باشد، باید کودکان را آزاد گذاشت تا کارهایی را که خودشان می خواهند انجام دهند. ۵- هرگز نباید قضاوتی در مورد رفتار دانش آموزان به عمل آورد، بدون آنکه عمل و نتایج آن تشریح شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۶- اندیشه هایی مانند : همه چیز از قبل معلوم و معین شده است، باید از افرادی که به عنوان متخصص در هر زمینه معرفی شده اند اطاعت کرد و نمی توان نگرش خاص خود را دنبال کرد، نباید در ذهن دانش آموزان ایجاد شود. ۷- باید در هر زمینه ای مهارت و درک لازم را به وجود آورد، زیرا در غیر اینصورت امکان مبدل شدن به یک دانشمند یا هنرمند خوب و نیز امکان به دست آوردن برتری، به عنوان بخشی از خلاقیت، جز برحسب شانس و تصادف فراهم نخواهد شد. ۸- باید نیروی ابتکار و تخیل افراد را بارور کرد تا در هر زمینه ای توان انجام فعالیتهای لازم برای گشودن بایی نو را داشته باشند. ۹- باید به عقاید غیر عادی دانش آموزان احترام گذاشت، زیر کسانی که به نوعی خلاقیت آنها برانگیخته می شود، روابط و مفاهیمی را درک می کنند که بقیه ممکن است از آن بی خبر باشند. ۱۰- جوابها باید طوری باشند که فرد را به سئوالات تازه هدایت کند. مربی باید به هنگام جواب دادن به هر سؤال، دانش آموز را به معلمهای تازه تری بگشاید تا ذهن او خودآگاه و ناخودآگاه مشغول کاوش و جست و جو باشد. ۱۱- تکمیل اشیاء و امور ناکامل از موارد دیگری است که موجب خلاقیت دانش آموزان می شود. باید از آنها خواسته شود جملات ناکامل، نقاشی ها و تصاویر نیمه تمام و مبهم و حتی اشیاء نیمه کاره را کامل کنند. ۱۲- دانش آموز باید اشیاء را از نزدیک ببیند و آنها را زیر و رو کند. مشاهده شی به تنهایی کنجکاوی او را ارضا نخواهد کرد. می توان تا آنجا که سلامت دانش آموزان به خطر نیفتد آنها را به بازیهای تخیلی تشویق و ترغیب کرد. ۱۳- باید فرصت های مناسب برای یادگیری مبتکرانه تدارک دیده شود و از این نوع یادگیری هادردانی گردد، زیرا یکی از مشخصات انسان خلاق این است که توانایی اش را خود به کار می اندازد. کنجکاوی و عشق شدتزد کودک به کشف مطالب تازه نشان می دهد که در یادگیری، تقریباً همه کودکان پیش قدم اند. وظیفه ی مربیان این است که این قابلیت را زنده نگهدارد و بگذارند که گاهی اوقات کودکان مطابق ذوق و سلیقه ی خود اشیاء و امور را کشف کنند. ۱۴- معلمان باید سؤال هایی را بپرسند که با چرا و چگونه آغاز می شوند، نه با کجا، چه کسی و چه وقت. سئوالهایی که دارای جوابهایی متعدد باشند، موجب تفکر واگرا و ایجاد خلاقیت در دانش آموزان می شوند.

اصول پرورش خلاقیت شخصی دانش آموزان از دیدگاه تورنس

۱- سئوالات غریب، غیر معمول و عجیب دانش آموزان را نباید نادیده گرفت. دانش آموزانی که در مطرح کردن سئوالات خلاقانه تبحر دارند، ممکن است شما را از نظر ربط داشتن سئوالاتشان دچار حیرت کنند. اگر دانش آموزان به این نتیجه برسند که نمی توانند سئوالات خوب خود را بپرسند، از طرح آن اجتناب می کنند. تشویق به طرح سئوالات غیر معمول و چالشگر ممکن است به ارتقای خلاقیت دانش آموز بینجامد. زمانی که دانش آموز ببیند واقعاً می تواند سئوالات مورد علاقه خویش را بپرسد و نگران واکنش شما نباشد، رفتار خلاقانه اش به سایر زمینه ها تعمیم می یابد. ۲- سعی کنید در همه فکرها نکات مثبت بیابید. به فکرها و سئوالات، برچسب احمقانه، بد و نامربوط زدن، این احتمال را که دانش آموز سئوالات بهتری بپرسد، کاهش می دهد. بهترین روش این است که سئوالات بد، با مطالبی از سوی خود شما دنبال شود و از یاد گیرنده بخواهید، در مورد مسأله بیش تر فکر کند. زمانی که دانش آموز فکر خود را ارزیابی می کند، احتمال کمتری وجود دارد که در آینده از طرح سؤال بپرهیزد. ۳- مهم است که به طور منظم به خلاقیت دانش آموزان خویش پاداش دهید. بسیاری از دانش آموزان نشان داده اند که با دریافت پاداشی برای فعالیت های خلاقانه، به این گونه فعالیت ها گرایش بیش تری پیدا کنند. ۴- از دانش آموزان خویش انتظار خلاقیت داشته باشید و آنها را طلب کنید. اگر به دانش آموزان خود بگویید که از ایشان انتظار خلاقیت دارید و آن را به عنوان بخشی از عملکرد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کلی دانش آموزان ارزیابی کنید، با خلاقیت بیش تری روبه رو خواهید شد. ۵- از نظر نمره، به خلاقیت باید امتیاز اضافی داد. انتظار خلاقیت از دانش آموزان برای نمره چندان منصفانه نیست. به خلاقیت فرد باید پاداش داد. ولی به صورت امتیاز اضافی. ۶- برای رفتارهای خلاق الگو نشان دهید. برخی مطالعات نشان می دهند، دانش آموزانی که الگو خلاق داشته اند، نسبت به دانش آموزانی که الگوی خلاق نداشته اند، خلاقانه تر عمل کرده اند.

الگوسازی برای خلاقیت

یکی از شیوه های بسیار مؤثر پرورش خلاقیت دانش آموزان، نشان دادن الگوهای خلاق است. دانش آموز در اثر صحبت کردن درباره خلاقیت، خلاق نمی شود؛ مگر اینکه شیوه عمل خلاقانه به او نشان داده شود تا از آن الگو بگیرد. معلمانی که از دوران تحصیل خود در مدرسه بیاد دارید، آنانی نیستند که ذهن شمارا از طریق سخنرانی با انبوهی مطلب انباشته اند، بلکه معلمانی را به خاطر می آورید که، تفکرات و کنش هایشان برایتان الگو بوده است. به احتمال زیاد، معلمانی که برایتان الگو بوده اند، بین محتوا و موضوعات درسی که باید تدریس می شد و آموزش تفکر به شما، توازنی برقرار می کرده اند. پرورشکاران خلاقیت بر این باورند که خلاقیت را نمی توان مانند مهارت خاصی چون آشپزی پرورش داد. خلاقیت با تهیه و ارائه دستور العمل سامان نمی گیرد. دانش آموزان باید با فرایند خلاقیت آشنا شوند و در یک بستر خلاقیت زا برای خلق ایده ها، دست ساخته ها و نوشته ها بکوشند. الگوسازی برای نشان دادن فرایند خلاقیت بسیار بنیادی است. درباره ی ایده ها، ارزش ها، اهداف و خلاقیت بیندیشند. حاصل اندیشه شما مددکار دانش آموزان برای ایفای نقش الگوی خلاق آنان است؛ زیرا دانش آموزان پیش از آنکه به گفتار معلم درباره خلاقیت توجه نشان دهند، متوجه رفتار خلاقانه او هستند. معلم نمی تواند با گفتن و بازگفتن به نتیجه برسد، بلکه باید با عمل خود به نتایج بسیار برسد. پرورش حس خودکارآمدی محدودیت عمده در برابر آنچه دانش آموزان "می توانند انجام بدهند" آن است که فکر کنند از عهده "انجام دادن آن" برنیایند. دانش آموزان همگی قابلیت و توان آن را دارند که خلاق باشند و از لذت آفریدن چیزی بهره مند شوند. بدین منظور، نخست باید پایه ای محکم برای خلاقیت را در آنان پی افکند. گاه معلمان و والدین با پیام های منفی، در برابر آنچه دانش آموزان قادرند انجام دهند مانع به وجود می آورند. بسیاری از آنچه امروز در زندگیمانقادر به انجامش نیستیم، ناشی از آن است که به ما گفته اند نمی توانید از عهده ی انجامش برآیید. رزنتال و جکوبسون (۱۹۶۸) به ملمانیکفتند، آزمونهای روان شناختی نشان داده اند که برخی دانش آموزانشان سال آینده خواهند درخشید. دانش آموزانی که به صورت تصادفیانتخاب شدند و مستعد خوانده می شدند، بهتر از سایر دانش آموزان عمل کردند. گاه به این نتیجه، اثر پیگمالیونی گفته می شود. اینمطالعه نشان می دهد که اگر به توان و قابلیت دانش آموزان ایمان داشته باشیم از خود عملکرد مطلوبی نشان خواهند داد. اگر دانش آموزان اجازه یابند آنچه را در ذهن دارند به عمل آورند به زیبایی عمل خواهند کرد. آنچه دانش آموزان را با دشواری مواجه می کند باورهای نادرست ما نسبت به توانایی های آنان و نیز باور نادرست آنان درباره توانمندی هایشان است. اردوگاه خلاقیت کودکانی که در ماه اوت وارد "مدرسه میان دوره ای" می شوند به جای آوردن کیف هایی پر از کتاب، کیف هایی با خود حمل می کنند که پر از پیزهای گوناگون دور ریختنی منزل است در پایان هفته دانش آموزان این اشیاء را به چیزهای ابتکاری جدیدی تبدیل می کنند؛ چیزهایی که برخی از آنها قابل استفاده اند و برخی از آنها قابل استفاده اند و برخی دیگر نیستند. بنیان گذار اردوگاه خلاقیت مؤسسه "اینونچرپلیس" واقع در شهر "اکران" در شمال شرقی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

I SSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ایالت اوهایو بود. این مؤسسه که مرکزی غیر انتفاعی برای ترویج خلاقیت است در سر تا سر کشور برای همین منظور شهرت دارد. اردوگاه خلاقیت چهار برنامه ای متفاوت دارد که هر یک از پنج پودمان موضوعی را تشکیل شده است. هر پودمان شامل علوم تجربی، ریاضیات، تاریخ و هنر است. پودمان ها بر اساس فعالیت های روز قبل تدوین می شوند و هدف مشترک همه ی آنها پرداختن به مشکل گشایی، خلاقیت و سرگرمی است. برای آگاهی از جزئیات پودمان ها، چند نمونه از آنها را در اینجا مطرح می نمائیم. در فعالیت "صدای مرا به گوش رهبرت برسان" علائم رادیویی از یک سیاره دیگر به اردوگاه می رسد حاضران در اردوگاه می کوشند تا با گوش دادن به این علائم با بیگانگان سیاره ناشناس تماس بگیرند برای این منظور آنها نمونه ای از "مدول" فرماندهی سه بعدی می سازند و به این وسیله درباره ی اصول ساخت این نوع مدولهایی فضایی مطالبی می آموزند. در "اختراعات ناشی از تیله های بازی" اردونشینان با کند و کاو در مورد تیله بازی مطالبی را در باره ی تاریخ درست کردن تیله های سنتی، هنر ملهم از تیله سازی، مفهوم اصطکاک و فیزیک حرکت شامل گشتاور، گرانیگاه، نیروی لختی و شتاب می آموزند. در فعالیت "می توانم اختراع کنم" اردونشینان قسمتهای گوناگون از یک وسیله منزل را باز می کنند تا از چگونگی کار آنان آگاه شوند. آنها قسمتهای باز شده را آنگونه که خود می خواهند سوار می کنند. هر پودمان چنان کیفیت و انعطافی دارد که هر کودک با هر نوع شیوه یادگیری را راضی و خشنود می سازد. برای مثال، در فعالیت "حرکت و جنبش" اردونشینان با بررسی چگونگی طراحی و ساخت وسایل نقلیه سرگرم کننده پارک اردوگاه، با قوانین حرکت نیوتن آشنا شوند. برنامه های درسی به کودکان امکان می دهد که مفاهیمی را بیاموزند که قاعدتاً برای بزرگسالان چالش برانگیز است. برای مثال، در یکی از پودمان های درسی به نام "کارناوال احتمال" اردونشینان مفاهیم ریاضی احتمال را می آموزند. آنان ضمن بازیهای خاص کارناوال این مفاهیم را فرا می گیرند. برنامه درسی طوری طراحی شده است که ذوق و شوق یادگیری کودکان دارای هرگونه توان و سابقه درسی را برمی انگیزد.

اردوگاه خلاقیت نیز فعالیت های مشکل گشای بسیاری در اختیار معلمان می گذارد تا آنان بتوانند از آنها در کلاس درس استفاده کنند.

برای مثال، یکی از معلمان بر اساس فعالیت "اختراعات ناشی از تیله بازی" نوعی بازی ابداع کرد تا به کمک آن بتواند یک واحد درسی در مورد مکزیک - که تیله های آن معروف است - ارائه دهد. معلمان که در نقش تسهیل کنندگان آموزشی انجام وظیفه می کنند در هر هفته یک واحد درسی تدریس می نمایند. معلمان مانند دانش آموزان، در محیطی عاری از هرگونه فشار و الزام کار می کنند. آنان ناگزیر نیستند برای ارائه کامل یک متن درسی یا پیروی از رهنمودهای برنامه های درسی دولتی پاسخگو باشند. یادگیری و اندیشه های خلاق در اردوگاه تقویت و برانگیخته می شود؛ زیرا هیچ تنبیهی برای ارتکاب اشتباه اعمال نمی شود و هیچ نمره یا آزمونی هم در کار نیست. کودکان می توانند بی آنکه مورد داوری قرار گیرند، فعال باشند، به کارهای سرگرم کننده و دلپذیر بپردازند و استعدادهای نهفته ی خود را کشف کنند.

رسانه های آموزشی و خلاقیت این بحث وجود دارد که آموزگاران که خود خلاق نیستند، آیا می توانند به آسانی خلاقیت را در دانشآموزانتشویق کنند؟ به نظر می رسد هر آموزگاری می تواند کوشش کند خلاقیت را در دانش آموزان بازشناسی و تشویق کند و فرصت هایبیرا برای وقوع آن فراهم آورد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه گیری

خلاقیت یک توانایی همگانی است که هم ناشی از عوامل مختلف فردی و شخصیتی است و هم عوامل اجتماعی آن مطرح است. هر چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است. یکی از مکانهای پرورش و رشد خلاقیت، مدرسه است. هنگامیکه کودک وارد مدرسه میشود، فرایند اجتماعی شدن در محیط آموزشی شروع میشود. عوامل بسیار زیادی چون: تکالیف زیاد، تأکید بر حفظ دروس، اجرای برنامههای هماهنگ، عدم توجه به تفاوتهای فردی و سرانجام عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگیهای کودکان خلاق، سبب می شود که قدرت خلاقیت آنان بتدریج کاهش یابد. اما اگر مدرسه شرایط خود و روشهای تدریس را بر پایه شناخت و پرورش استعدادها دانش آموزان، نیاز جامعه و نزدیک کردن محیط مدرسه به شرایط و زندگی بیرونی قرار دهد، می تواند در جهت شکوفایی خلاقیت در دانش آموزان گام بردارد. در تحقیقی که توسط گوگن (۱۹۸۳) با استفاده از تست خلاقیت تورنس در نمونههای از ۲۲۵ کودک در مدرسه انجام شد، مشخص گردید:

روش های فعال بر رشد خلاقیت دانش آموزان بویژه دختران بیشتر است در مقابل دانش آموزان به روش سنتی کمترین افزایش خلاقیت را نشان داده اند. بعد از یک سال حتی خلاقیت آنان، پایینتر از خط پایه نسبت به گروه مقابل (روش فعال) نشان داده شد.

در تحقیقی دیگری که توسط هادون و لیتون (۱۹۶۸) در مقایسه بین دو کلاس پویا و سنتی انجام گرفت، مشخص شد که بچه ها بعد از گذشت ۴ سال از کلاس ابتدایی، برتری پایداری را در تفکر واگرا نسبت به بچههای با کلاسهای سنتی نشان داده بودند. میلگرام (۱۹۹۰) نیز معتقد است علت شکست مدرسه در رشد خلاقیت تا حد زیادی به تعلیم و تربیت همشکل و یکنواخت مربوط می شود. این در حالی است که هر کدام از بچه ها کاملاً با یکدیگر متفاوتند.

در نتیجه ی چنین مشاهداتی مشخص می شود، اگر محیط آموزشی بویژه روشهای تدریس که مستقیماً مرتبط با تفکر کودک است، مناسب با رشد خلاقیت کودکان نباشد، باعث کاهش خلاقیت می شود. تا جائیکه تورنس در اولین یافته هایش بیان می کند، در رشد خلاقیت کودکان افتی در کلاس چهارم وجود دارد که بدلیل وجود شرایط نامساعد مدرسه بویژه روش های تدریس است. همچنین در تحقیقات نشان داده شده است اگر شرایط مناسب تدریس برای کودک در همان کلاس چهارم وجود داشته باشد، این افت با کاهش کمتری روبرو می شود و چه بسا نسبت به دانش آموزان با روش سنتی نیز خلاقیت بیشتری نشان دهند. تورنس (۱۹۸۷) در نتایجی از ۳۰۸ مطالعه انجام شده، نشان می دهد که روشهای تدریس مناسب، بر رشد خلاقیت کودکان تأثیر مثبت می گذارد و در ۷۰٪ موارد با موفقیت همراه است.

به طور کلی روش تدریس مناسب در مدارس نه تنها باعث می شود که خلاقیت کودکان رشد یابد، بلکه دانش آموزان را با دنیای فردا که مسئله و مشکلات بی شماری دارد، آماده ی حل مسئله، خلاقیت و نوآوری می کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پس لازم است تا جامعه در آگاه کردن معلمان به انواع روش های فعال تلاش کند تا معلمان از روشهای مناسب در کلاس خود استفاده کنند، کنجاوی کودکان را برانگیزند و شرایط مناسبتری را برای خلاقیت کودکان ایجاد کنند

منابع و مآخذ

- افروز، غلامعلی (۱۳۶۵). دانشآموزان تیزهوش و خلاق. مجله پیوند، شماره ۱۸.
- آقازاده، محرم (۱۳۸۲). چگونه خلاقیت دانشآموزان را پرورش دهیم؟. ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، دوره نوزدهم، شماره مسلسل ۱۵۱.
- بودو، آلن (۱۳۵۸). خلاقیت در آموزشگاه. ترجمه (خانزاده، علی)، تهران: انتشارات چهر.
- جعفریان یسار، حمید (۱۳۸۰). پرورش خلاقیت. ماهنامه رشد معلم، سال نوزدهم، شماره ۷.
- حقشناسی، مرجان (۱۳۷۸). خلاقیت در آموزش و پرورش. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش. دوره ششم، شماره مسلسل ۲۳.
- خانزاده، علی (۱۳۶۳). پرورش خلاقیت در کودکان، مجله پیوند، شماره ۵۷.
- رشیدپور، مجید (۱۳۶۲). آفرینش خلاقیتها، مجله پیوند، شماره ۵۲.
- سیف، علی اکبر (۱۳۶۹). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۹). روانشناسی پرورشی. تهران: انتشارات دانشگاه آگاه.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۲). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- غلامپور، عباس (۱۳۷۹). خلاقیت و نوآوری در سازمانهای آموزشی. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره هفتم، شماره مسلسل ۲۵.
- قرائنی مقدم، امام ا... (۱۳۷۵). مدیریت آموزشی، تهران: انتشارات ابجد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کالینز، پال؛ دبری، پتی (۱۹۹۸). اردوگاه خلاقیت. مترجم (نصیرنیا، حسن)، ۱۳۷۹، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، دوره شانزدهم، شماره مسلسل ۱۲۶.

گمینان، وجیهه (۱۳۸۲). راههای شناخت و شکوفایی خلاقیت در دانشآموزان. مجله پیوند، شماره ۲۸۹.

محمدزاده، مهتری (۱۳۸۳). پرورش خلاقیت شخصی دانشآموزان. ماهنامه رشد معلم، شماره ۴، شماره مسلسل ۱۸۷.

مرعشی، منصور (۱۳۷۸). خلاقیت و ویژگیهای آن. ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی. دوره پانزدهم، شماره مسلسل ۱۱۹.

مردانی نوکنده، محمد حسین (۱۳۸۳). روشهای کاربردی پرورش خلاقیت در دانشآموزان. ماهنامه پرورشی تربیت، سال بیستم، شماره ۲.

هادیان، مجید (۱۳۸۳). شیوههای پرورش خلاقیت در دانشآموزان در خانه و مدرسه. فصلنامه علمی، آموزشی، پژوهشی راهبرد، سال اول، شماره نخست.